

## متن پرسش

علت اینکه ما در درون وجود خودمان احساس بدی نسبت به خودمان، نسبت به آدمهای دنیای اطراف مان پیدا می‌کنیم چیست؟ گاهی این احساس بد فراتر رفته و حتی وارد رابطه ی ما با خدا می‌شود و احساس می‌کنیم خدا ما را ترک کرده است و ما را به حال خود رها کرده سر همین موضوع فکر می‌کنیم پناه بردن به بنده های خوب خدا مثل ائمه با توجه به اینکه ما گناهکاریم و دید مثبتی و رابطه ی خوبی با خدا نداریم فایده ای ندارد از سوی دیگر دلمان می‌خواهد با خدا خوب باشیم اما درونمان می‌گوید او تو را دوست ندارد و از طرف دیگر دنیای بی خدا سخت است چون حس بی پناهی داریم این فکر و احساس در زمان مشکلات بیشتر در ذهن ما می‌آید و گاهی فکر می‌کنیم این مشکلات یعنی تو رها شده ای که این مشکلات را داری از طرف دیگر می‌گویند هر کس مقرب تر جام بلا بیشتر می‌دهندش. نتیجه اینکه ما در برخورد با حوادث چطور باید بفهمیم که بالاخره آدم خوبی هستیم و این امتحان ماست یا اینکه آدم بدی هستیم و این نتیجه اعمال خودمان است؟ راه حل برون رفت از این وضعیت چیست؟ دلیل هجوم این افکار چیست؟ چطور می‌شود رابطه ی خود را با خدا و با خود و در نتیجه خلق خدا و طبیعت اصلاح کرد؟ و در ادامه آدمها برای برون رفت از صفت بد بااخلاقی باید چه کنند؟ وقتی که حس می‌کنند و باور دارند این صفت جزیی از وجودشان شده؟ چون دائم توبه می‌کنی و قول می‌دهی تکرار گناه نکنی اما باز هم مرتکب می‌شوی. نه در مورد بد اخلاقی بلکه در مورد بسیاری از صفت های بد همین طور است. وقتی پس از چند بار قول دادن به خدا که دیگر تکرار نمی‌شود اما باز هم سراغ انکار می‌رویم احساس بد ناامیدی که دیگر نمی‌توانی خودت را اصلاح کنی سراغ ما می‌آید. راه حل برای رهایی چیست؟ می‌دانم ضیغ وقت دارید اما عاجزانه خواهش می‌کنم جواب سوال مرا بدهید. شاید این پاسخ مرا نجات داد و نجات یک انسان نجات بشریت است. خدا به وقتتان برکت دهد؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گویا فراموش می‌کنیم که «دوست دارد یار، این آشفتنگی!» آری! مولایمان امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» فرمودند: «انّ للقلوب اقبالا و ادباراً» که به اصطلاح عرفا، «بسط» و «قبض» برای قلب هست و ما نباید قبضی که برایمان پیش می‌آید را حمل بر بی‌خدایی بکنیم، بلکه آن حالت را زمینه نشان دادن صبر بر بندگی بدانیم. زیرا خداوند دوست دارد تا ما در چنین حالاتی نیز بندگی خود را به نمایش بگذاریم و معلوم است که شیطان هم باید به میدان بیاید و آن افکار را که

می‌فرمایید در ما بَدَمَد تا با مقابله با همین افکار و به دنبال عمیق‌شدن معارف خود بتوانیم جلو و جلوتر بیاییم. چرا می‌فرمایید صفت بد اخلاقی جزء وجود افراد می‌شود؟! هرگز چنین نیست، زیرا خداوند انسان را با فطرت توحیدی‌اش آفریده است و با نظر به شخصیت ائمه «علیهم‌السلام» به عنوان انسان‌های کامل، انسان احساس یگانگی می‌کند. این طبیعی است که شیطان تلاش می‌کند ما را نسبت به راهی که در آن قدم گذاشته‌ایم مأیوس کند زیرا کار شیطان اتفاقاً همین است که با کسانی درگیر شود که در «راه» هستند. وجود این وسوسه‌ها به جای ناامیدی، امید را صد چندان می‌کند. پیشنهاد بنده آن است که با مباحث موجود روی سایت و یا در کانال «مطالب ویژه» مأنوس شوید تا **إن شاء الله** قوت اراده شما برای هرچه بهتر جلو رفتن تقویت شود. موفق باشید